

ابن سینا

«از جنبه پزشکی»

دکتر محمود نجم آبادی

وهشت دیگر آن غیر معتدل که دایره مدار آنها همان حرارت و برودت و رطوبت و یبوست بوده است .

داستان مزاج آدمی از امور طبی به ادب پارسی سرایت کرده و علاوه در میان مردم بسیار ساری و جاری گردیده که عده ای را با روی سرخ و گلگون خونی مزاج و با چهره زرد و لاغر صفراوی مزاج نامیده همچنین حالات عصبی را به مزاج سوداوی و بدن پف کرده و چاق را به مزاج بلغمی نسبت میدادند و درحقیقت باید گفت از بس امر مزاج در طب دیروزی رواج داشته و تمام اطباء بدان معتقد بودند به مردم عادی نیز سرایت کرده است که باید گفت مردان و زنان پیر خانواده خود را يك طیب آشنا به مزاج فرزندان میدانستند و در مواقع لزوم داروهار، صفرابر و ضد بلغم و ضد سودا استعمال میکردند و یا آنکه خون گرفتن (فصد) را در مزاجهای خونی جائز می شمردند . عموم اطبائی که به نه مزاج معتقد بودند نهمین را اعتدال مزاج میدانستند و همه نیز متفق القول چنین مزاجی را نادر (بلکه غیر ممکن) میدانستند، بدین معنی که می گفتند شخصی که اعتدال مزاجها در بدنش وجود داشته باشد بسیار نادر میباشد . ضمناً اعتقاد داشتند هرگاه یکی از این چهار رطوبت^۹ بدن بر رطوبت دیگر

حالت یا کیفیت معلول کمی و زیادی میزان و مقدار عناصر^۲ سازنده آن است . چنین کیفیت و حالت مزاج است^۳ (قانون کتاب اول تعلیم سوم فی المزاجات) . ابن سینا مزاجهای چهارگانه^۴ (مزاجه اربعه) را به مزاج خونی (دموی)^۵ و صفراوی^۶ و سودائی (مالیخولیائی)^۷ و بلغمی^۸ که اولی یعنی مزاج خونی را گرم و مرطوب و دومی یعنی مزاج صفراوی را گرم و خشک و سومی یعنی مزاج سوداوی را سرد و خشک و چهارمی یعنی مزاج بلغمی را سرد و مرطوب میدانسته است .

این نظر شیخ بیش از هزار سال در طب جهان (مخصوصاً ایران و شبه قاره هندوستان) رواج کامل داشته و اکنون با تطبیق با موازین طبی امروزی آنرا با متابولیسم^۹ بدن تطبیق میکنند . شیخ در قانون با نظر دیگر مزاجهای گرم و سرد و تر و خشک را مزاجهای ساده و مفرد میداند و از مزاجهای دیگری که مزاجهای ساده و مرکب می باشند بیان مطلب میدارد .

بهر حال بطور کلی شیخ نه مزاج برای آدمی قائل بوده است : يك معتدل

در شماره قبل مختصری از دانش پزشکی ابن سینا مأخوذ از کتاب قانون را بنظر خوانندگان گرامی مجله رساندم . همانطور که قبلاً اشاره شد برای آنکه بتوان به دانش پزشکی شیخ و عمق مطالب طبی وی دسترسی یافت ، باید آثار پزشکی (مخصوصاً قانون) شیخ را با دقت مطالعه کرد تا حق مطلب ادا گردد و این امر مستلزم وقت زیاد با عده ای طیب و فیلسوف است که شب و روز چندین سال بدین امر اشتغال ورزند که امیدوارم این مطلب روزی جامه تحقق بخود بخشد .

اکنون فهرست وار بعضی مطالب پزشکی از قانون را به نحوی که مورد پسند خوانندگان باشد تقدیم میدارم . در باب مزاج^۱ شیخ نیز بمانند پزشکان سلف خود به مزاج عقیده مند بوده و این عقیده را بیشتر از نظریونانیان اخذ نموده بود . بدین معنی که ترجمه آثار طبی یونانیان را که به عربی بوده مطالعه کرده و بدانها سخت عقیده مند بوده است . شیخ در قانون مزاج را چنین گفته است :

«هر ماده و جسم صاحب کیفیت و حالتی مخصوص به خود است ، که این

۱- Tempérament = Mélange dans les propolitions données

۲- Eléments

۳- ایضاً در اصطلاح طب قدما مزاج را

تبیجه یا کیفیتی که از فعل و انفعال قوای فاعله یعنی حرارت و برودت و قوای منفصله یعنی رطوبت و یبوست میدانستند .

۴- Les quatre tempéraments

۵- Tempérament sanguin

۶- Tempérament bilieux

۷- Tempérament atrabilaire =

Mélancolque

۸- Tempérament phlegmateux

۹- Tempérament, Metabolisme

غلبه کرد انحراف درمزاج و عدم اعتدال در آن هویدا میگردد .

سعدی درگلستان فرماید :

چهار طبع مخالف سرکش

چند روزی شوند با هم خوش

گر یکی زین چهار شد غالب

جان شیرین برآرد از قالب

و باز از سعدی است که دربوستان

فرماید :

مزاجت تروخشگ و گرم است و سرد

مرکب از این چهار طبعست مرد .

بهر حال ذکر سطور بالا از آن نظر

بود که تا اندازه ای اهمیت مزاج درطب

دیروزی جهان بر خوانندگان معلوم و

مشهود گردد .

اما اگر بخواهم کما هو حقه موضوع

مزاج و تطبیق آنرا در طب امروزی به نظر

خوانندگان اندیشمند مجله برسانم مطلب

بدرازا کشد و شاید بیش از صد صفحه باید

در باب آن نگاشت تا حق مطلب ادا گردد ،

لذا بهمین مختصر قناعت کردم .

درباره نبض - شیخ را عقیده آن

بود . که : « نبض یک توازن و تناسب

موسیقاری دارد » .

اجازه فرمائید عین عبارت شیخ را

که در قانون آمده متذکر گردم ، او گوید :

« و ان تلبض حركة موسیقاریة » .

شیخ تشخیص بیماری را از نبض

بیمار و تشخیص نوع نبض را از بیماری

بیان داشته ، یعنی گاهی از معلول به علت

و زمانی از علت به معلول اداء مطلب کرده

است . حکایت درمان خواهرزاده قابوس

که شیخ انجام داده نمونه ای از این امر

میباشد .

شیخ قریب چهل نوع نبض در قانون

و رساله پارسی رگ شناسی (رساله در نبض)

متذکر گردیده است .

جالینوس اهمیت گردش خون و

زمان استراحت و نکات برجسته ای از آن

را متذکر گردیده و بعداً ابن سینا خواص

ضربان نبض و قدرت آنرا و عروق کوچک

و سنگین و طول نبض و نکات جدیدی را

بر نظرات جالینوس اضافه کرده است .

در بیماری شناسی - در بیماری شناسی

یا علم الامراض اطلاعات شیخ بسیار وسیع

و کامل بوده و بطور قطع میتوان گفت

آنچه او در علم الامراض در آثار خود

آورده تا زمان خود کاملترین و جامعترین

و وسیع ترین معلومات پزشکی بوده است .

کتاب سوم و چهارم قانون در باب

جميع بیماریها از سرتا پا و بیماریهای

مخصوص يك يك اعضاء میباشد .

شیخ در این دو کتاب از تمام امراض

تا دوران خود با نظرات شخصی بیان مطلب

می کند .

در این دو کتاب شیخ از جمیع

بیماریهای داخلی و خارجی (تا دوران

خود) بحث بسیار شیرینی دارد . مثلاً

درباره بیماریهای خارجی از شکستگی ها

و در رفتگی ها و ضربه و ضغطه و پارگی های

نسوج و درمان آنها صحبت کرده و همچنین

درباره بیماریهای داخلی از قبیل تب مطبقة ۱۰

(یا در اصطلاح خراسانیها تب دامنه) و تب

محرقة ۱۱ و آبله و سرخ ۱۲ و اسهال ها

و سر دردها و خلاصه تمام بیماریها از سر

تا قدم مطالبی ارزنده ذکر کرده است .

شیخ سرطان را يك نوع غده ای

میداند که اصلش از سودا است . از انواع

۱۰ - مطبقة یا تب مطبقة همان است که

به زبان فرانسوی Fièvre Typhoïde گویند

و کلمه حصه در این باره ناصحیح است .

۱۱ - Thyphus exanthématique

۱۲ - کلمه سرخ در زبان عربی « حصه »

و در زبان فرانسوی Rougole است .





میگردد. بنابراین از آن زمان شیخ تصور و فکر مخمر لاکتیک را داشته است. در این باب نظر شیخ با رازی یکی است و تا آنجا که از کتب تاریخ طب و آثار رازی مستفاد میگردد ولی (رازی) از پیشقدمان درمان اسهال بر مبنای اسید لاکتیک میباشد.

به نظر این جانب میرسد که شیخ این مطلب را از رازی و آثار وی اقتباس کرده است.

چون سخن به نام رازی طیب نامدار ایران رسید لازم میدانم بطور معترضه متذکر گردم که «شیخ حتماً و یقیناً از آثار طبی رازی (مخصوصاً حاوی رازی) و ملکی اهوازی (کتاب کامل الصناعته الطبیه الملکی تألیف علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی) استفاده کامل کرده است و اگر کتابهای اطباء سلف را (مخصوصاً دو کتاب نامبرده در بالا) نخوانده بود

بهر حال درباره این بیماری ابن سینا را شاهکارهایی است که تذکر همه آنها باعث تطویل مقال می گردد.

درباره سل - در هزار و نودی سال قبل ابن سینا بدون داشتن وسائل پرتو نگاری و اشعه مجهول از سل ریوی وسه مرحله آن (مرحله ابتدائی و مرحله نرمی و مرحله غاری) که در بدن آدمی پدیدار میگردد، بحث کرده است، که عیناً با معلومات امروزی تقریباً هیچ اختلافی ندارد.

وی درمان سل را با مواد مأخوذ از ترابانتین^{۱۵} و مازو^{۱۶} و گردو توصیه می کند که هر سه این دارو ضد سل میباشد و تا چندی قبل نیز متداول بوده است (قانون فصل مربوط به بیماری سل).

بسیار جای تعجب است که با فقدان وسائل آنروزی شیخ توانسته است چنین نظریه ای بدهد. اینجاست که باید گفت به ظن قوی نزدیک به یقین شیخ تشریح کرده است.

درباره اسهال - شیخ اسهال را با آب پنیر و پنیر بز درمان می کرده، یعنی همین عملی که امروزه در باب داروهای ضد اسهال بر مبنای اسید لاکتیک مجری

کیست ها^{۱۳} (کیسه ها) چه کیست های چربی^{۱۴} و چه سایر کیست ها در قانون مثال آورده و درمان آنها را متذکر شده است، بوعلی سینا در قانون همچنین از جذام بسیار مثال آورده و آنرا از داء الفیل (پیل پا) تفکیک کرده و داء الفیل را سرطان پوست نام نهاده است.

درباره آسم (یا ضیق النفس عصبی یا ضیق النفس عصبانی) نظریه شیخ خلطی است.

مدتها پزشکان مغرب زمین علت آنرا به سبب تشنج (اسپاسم) عضلات تنفسی میدانستند، ولی اکنون ورم مخاط برنش ها و وجود بلغم را در مجاری تنفسی و زیاده شدن ترشحات بلغمی که باعث انسداد مجاری تنفسی میگردد، مورد نظر دانشمندان علم طب میباشد.

شیخ گوید: «برای درمان آسم باید داروهای ملطف (ضیف کننده) و نضج دهنده به بیمار داد، به نحوی که ماده خشک نگردد و باعث غلظت آن نشود».

ابن سینا در درمان اسهال قبل از بکار بردن داروهای واگوتیک و سباتومی تیک بر ضد آسم استفاده نمیکرده است.

- ۱۳ - Kystes
- ۱۴ - Lipomes
- ۱۵ - Trébutine
- ۱۶ - Noix de galle



دو صفحه از آخر کتاب ادویه مفرد
مفرد قانون (نسخه خطی)



صفحه آخر کتاب ادویه مفرد
(نسخه خطی)

نمی توانست کتاب جامع قانون را برشته
تحریر در آورد، مضافاً بدانکه کتاب قانون
از قلم يك فیلسوف دانشمند میباشد و از آن
گذشته شیخ در منصب صدارت بوده و در
زمان خود قانون را برای شاگردانش
تدریس میکرده است. بهر حال مقصود
از نگارش چند سطر بالا از آن نظر بود
که خوانندگان این سلسله مقالات بدانند
که بطور کلی تألیف یا تصنیف کتابی در
هر علمی میسر نخواهد بود، مگر آنکه
کتاب و آثار پیشینیان مطالعه شود.

درباره بیماریهای عمومی و همه گیر -
شیخ درباره بیماریهای عمومی و همه گیر
از هوا و آب و بانی در قانون صحبت کرده
است و بر ضد بیماریها دود دادن^{۱۷} را توصیه
می کند. بعبارة آخری از قرنطینه سخن
گفته است.

در مورد انتقال بعضی از بیماریها
ابن سینا را عقیده آن بوده که این بیماریها
از مادر به طفل انتقال داده میشود. این
نظر عیناً با نظر رازی یکی است. چرا
که رازی قبل از شیخ این مطلب را در کتاب
خود آورده است.

در اینجا مقاله مربوط به این شماره
را ختم می کنم و امیدوارم در شماره آتی
دنباله این مقال تقدیم خوانندگان گردد.
ضمناً اضافه می نمایم که اگر مقرر شود
شاهکارهای طبی شیخ فهرست وار گفته
شود و یا بر روی صفحه کاغذ آید شاید
بیش از هزار مقاله و چندین هزار صفحه
شود.

بنده تا آنجا که برایم مقدور بود
با بضاعت مزجات این سلسله مقالات را
تهیه و تقدیم خوانندگان مجله کرده ام
و امیدوارم برای آنان و همکارانم مفید
واقع گردد.